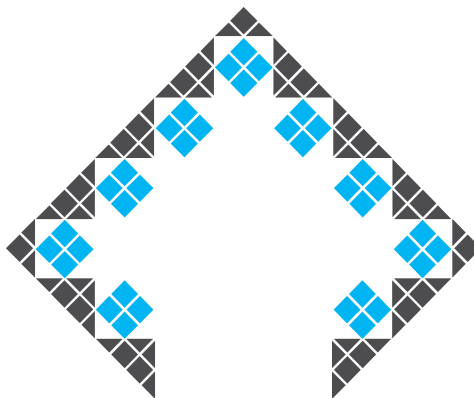


ضوابط ناظر بر تعیین و تقویم خسارت معنوی در رویه قضایی

قسمت پایانی



حجت جلیلیان، دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، رئیس شعبه چهارم دادگاه عمومی حقوقی شهرستان آبادان

چکیده

امروزه حقوق بیشتر کشورها تمایل دارند که جبران خسارت‌های معنوی به عنوان یک اصل، مورد پذیرش قرار گیرد که با توجه به تنوع و تکرر خسارات معنوی و منشأ پیدایش آنها، شیوه‌های متنوعی برای جبران این نوع خسارات پیشنهاد شده است.

برای مطالبه خسارت معنوی باید شرایط سه‌گانه مسئولیت (فعل زیان‌بار، ورود خسارت و رابطه سببیت بین آن دو) اثبات گردد، همچنین باید در نظر داشت که منظور از جبران خسارت معنوی، ترمیم کامل زیان وارد شده نیست، بلکه تشفی، تسکین و رضایت خاطر زیان‌دیده است؛ زیرا جبران کامل خسارت معنوی امری سخت است به این دلیل که معیاری برای اندازه‌گیری دقیق آن وجود ندارد و لذا از هر طریقی که بتوان رضایت خاطر و تسکین روحی زیان‌دیده را فراهم نمود بایستی استفاده کرد. با توجه در آرای محاکم می‌توان گفت که دو شیوه برای جبران خسارت معنوی وجود دارد. مهم‌ترین و بحث‌انگیزترین شیوه جبران خسارت معنوی، شیوه جبران مالی است. شیوه دیگر جبران خسارت معنوی نیز شیوه جبران غیرمالی است.

خسارت معنوی به جز در مورد دیه، قابل رأی دادن و تقویم است و دادگاه با لحاظ شرایطی می‌تواند زیان‌زننده را محکوم نماید و حتی قانون‌گذار می‌تواند در خصوص موارد پرتکرار، میزان خسارات را طی جداولی و به صورت حداقل و حداکثر تعیین کند که اگر این اتفاق روی دهد قضات بیشتر تمایل به صدور رأی خسارت معنوی خواهند داشت. در قسمت پیشین مقاله کلیات خسارت معنوی، مبانی جبران خسارت معنوی و شرایط و چگونگی طرح دعوای خسارت معنوی و دادرسی راجع به آن مورد بررسی قرار گرفت، در این قسمت به ادامه مباحث می‌پردازیم. واژگان کلیدی: خسارت معنوی، رویه قضایی، خواسته، جبران خسارت



۴- خسارت معنوی و روش‌های تعیین و جبران آن در آرای قضایی

خسارت معنوی از جمله موضوعاتی است که نه تنها در حقوق ما بلکه در سایر نظام‌های حقوقی نیز جزء پیچیده‌ترین و بحث‌برانگیزترین موضوعات حقوقی است. مخالفان جبران این نوع خسارت معتقدند از لحاظ نظری (قابل تقویم نبودن به پول)، فنی (مشکل بودن تعیین این نوع خسارت برای قاضی) و اخلاقی (زننده بودن مطالبه پول در قبال تألم روحی) می‌توان گفت که خسارات معنوی قابل جبران نیستند. در مقابل به گفته موافقان جبران خسارت معنوی به دلیل خاصی نیاز ندارد، هرگاه ارکان مسئولیت مدنی در هر مورد تحقق یابد، بدون تردید باید قائل به وجود ضمان شد. مشکل اصلی در خصوص جبران خسارت معنوی، به این موضوع بازمی‌گردد که وقتی چیزی ماهیت غیرمالی دارد، چگونه می‌توان زیان وارده به آن را از طریق پرداخت پول جبران نمود؟

بی‌تردید جبران خسارت مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی به شمار می‌رود. برآثر توسعه روابط اجتماعی و فعالیت‌های نوظهور، خسارات و صدمات ناشی از آن نیز گسترش یافته است. می‌توان گفت که جبران خسارت معنوی به طور کلی از دو شیوه مالی و غیرمالی امکان‌پذیر است. پس از بررسی جبران مالی خسارت معنوی، باید دید دادگاه‌هایی که به جبران مالی خسارت معنوی رأی داده‌اند بر چه اساسی اقدام به ارزیابی و تقویم خسارت معنوی نموده‌اند. این بحث

نیز از مباحث اساسی در بررسی چگونگی جبران خسارت معنوی در آرای دادگاه‌ها می‌باشد که می‌تواند در آرای که در آینده صادر خواهد شد، مفید واقع شده و ملاک عمل قضات و محاکم قرار گیرد.

۴-۱- جبران خسارت معنوی به روش مالی

یکی از روش‌های جبران خسارت معنوی، روش مالی و پرداخت پول به خسارت‌دیده است که شیوه مناسبی برای جبران خسارت معنوی می‌باشد؛ زیرا در مواردی که صدمات وارده شدید است به صورت مالی می‌توان صدمات وارده را تا حد زیادی جبران و ترمیم نمود و افراد زیان‌دیده از این روش بیشتر استقبال می‌کنند.

در حقوق داخلی باید دید دادگاه‌هایی که رأی به جبران مالی خسارت معنوی داده‌اند چگونه میزان این خسارات را تقویم و ارزیابی نموده‌اند. از آنجا که خسارت‌های معنوی اصولاً از امور محسوس نیستند تقویم و ارزیابی آنها نیز دشوار است. به علاوه میزان این خسارت در اشخاص مختلف متفاوت است؛ یعنی یک زیان معنوی یکسان چنانچه به دو شخص وارد شود میزان خسارت معنوی وارده در هر شخص متفاوت از شخص دیگر است.

از سوی دیگر گاهی زیان مادی وارد بر یک شخص موجب ورود زیان معنوی به شخص زیان‌دیده و نزدیکان او می‌شود و همین امر ارزیابی خسارت معنوی را دشوارتر می‌کند. با توجه به اینکه در اصل لزوم جبران خسارت معنوی جای تردید و اشکال نیست؛ این سؤال به وجود می‌آید که خسارت معنوی چگونه

باید جبران شود؟ همان‌گونه که بیان شد درحالی که جبران خسارت معنوی در برخی موارد مورد پذیرش قرار می‌گیرد آیا می‌توان گفت خسارت معنوی با پول و مال قابل جبران است؟

استاد سید حسن امامی نیز در این باره می‌نویسد: «چون محکومیت زیان زننده به پرداخت مبلغی موجب تشفی و تسکین خاطر او [زیان‌دیده] می‌گردد و تنبیه مرتکب رانیز در بر دارد منطق اجتماعی آن را می‌پذیرد» (امامی، ۵-۱۳۵۶: ۲۱ به نقل از فرهاد، ۱۳۸۰: ۱۸۳). رویه در مقام مطالبه خسارت معنوی می‌پرسد که برای مثال چقدر به نفع خواهان رأی بدهیم که درد از دست دادن پدر یا فرزند را فراموش کند یا درد و تألم جراحی را از یاد ببرد؟ مشکل رویه، نداشتن «پیمان» برای نحوه جبران این خسارت است، حتی اگر آن را قابل مطالبه هم بدانند، پرسش‌هایی از این قبیل وجود دارد که خسارت معنوی را چگونه و به چه میزان می‌توان جبران کرد؟ معیارها نوعی است یا شخصی؟ اگر ملاک، شخصی است، نتیجه آن هرج و مرج قضایی یا استبداد قضایی نمی‌شود؟ اصولاً آیا قاضی این اختیار قانونی را دارد که به صلاح‌دید خود عمل کند؟ وقتی که به قانون مدنی مراجعه می‌کنیم، در خصوص شرایط مسئولیت مدنی و تحقق آن تحت عناوین اتلاف، تسبیب، سبب اقوی از مباشر و غیره به عنوان مصداق‌های مسئولیت مدنی بحث شده است؛ اما موضوع آثار مسئولیت مدنی یا شیوه‌های جبران آن مسکوت مانده و به همان قواعد پراکنده در مواد مختلف اکتفا شده است.



این خلأ در قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ تا حدی جبران شده که متأسفانه این قواعد مفید کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از احکام مهم و تأثیرگذار آن در ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی آمده است که مقرر می‌دارد: «دادگاه میزان زیان، طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد». مواد این قانون و سایر قوانین است که اختیار قضات را در انتخاب شیوه‌های مختلف جبران باز گذاشته است اما به این اختیار توجه جدی نمی‌شود.

البته باید به این نکته توجه شود که وضع قاعده کلی و اعتماد به تشخیص قضایی در امور مدنی به معنای بی‌ضابطه بودن نیست بلکه به معنای توجه به مفهوم متغیر زیان و موسع بودن اختیار قاضی به تجویز قانون‌گذار است.

فراموش نکنیم که مبنا، قاعده کلی لاضرر و جبران همه زیان‌ها است؛ بدون آنکه شیوه‌های آن به طور مشخص تعیین شود؛ به عبارت دیگر، شیوه انتخابی قانون مسئولیت مدنی شیوه توسل به قاعده کلی است. البته در برخی آرای محاکم مشاهده می‌شود که دادگاه‌ها به بهانه عدم امکان تقویم از دادن رأی به جبران مالی خسارت معنوی خودداری کرده‌اند.

در دادنامه شماره ۱۴۷۲-۸۰ به کلاسه پرونده ۱۴/۶۰۷/۸ که از شعبه چهاردهم دادگاه عمومی گرگان صادر شده است دادگاه به شرح زیر اقدام به صدور رأی نمود: «... اما در مورد خسارت معنوی نظر به اینکه کارشناسان منتخب دادگاه اعم از کارشناسی ابتدایی و اعضای محترم هیئت کارشناسی نسبت به

تقویم و برآورد خسارت معنوی ناشی از صدمات و لطمات روحی و روانی اظهار ناتوانی نموده و آن را ناممکن و خارج از عهده و توانایی خود اعلام نموده‌اند اساساً تقویم و برآورد خسارت (معنوی) به طریق مادی در چنین موارد عملاً مشکل می‌باشد... اگرچه در مانحن فیه ورود لطمات روحی و تشویشی با توجه به موقعیت شغلی و جایگاه اجتماعی و شئونات شخصی و خانوادگی وی و متعارف با وضعیت خاص وی محقق است لیکن برآورد چنین خسارتی از طریق مادی که مورد درخواست خواهان می‌باشد از عهده دادگاه نیز خارج است لذا قرار رد دعوی خواهان در این قسمت صادر می‌شود...» (بانک اطلاعات آرای دادگاه‌ها و نظرات مشورتی، مکرم، نسخه ۸/۳ پاییز ۱۳۹۰).

این در حالی است که دشوار بودن نحوه جبران نمی‌تواند دلیلی بر نپذیرفتن مطالبه خسارت معنوی در رویه قضایی باشد، هرچند که همه ما بر این امر واقفیم که نمی‌توان معنویات را با پول ارزیابی کرد و نمی‌توان دقیقاً گفت که حیثیت بر باد رفته چند تومان می‌ارزد و یا اینکه غم از دست رفتن فرزند برای مادر چقدر قیمت دارد.

دادگاه می‌تواند بسته به موضوع و مورد و با توجه به اوضاع و احوال و شرایط زیان‌دیده و سایر عوامل مؤثر در تعیین میزان خسارت معنوی، شیوه‌های ارزیابی مختلفی را در نظر بگیرد و به جبران مالی این‌گونه خسارات رأی دهد؛ مثلاً می‌تواند معادل خسارت مادی حکم به پرداخت خسارت معنوی دهد یا آنکه موضوع را به کارشناسی ارجاع دهد تا میزان آن را تعیین کند.

شعبه هشتم دیوان عالی کشور نیز در حکم ۴۱۲۸-۱۳۳۶/۹/۵ در خصوص تعیین میزان خسارت معنوی آورده است: «تعیین خسارت معنوی از طرف دادگاه بدون جلب نظر کارشناس عمل خارج از وظیفه و خلاف قانون است». از طرفی، پرداخت پول نیز یکی از مؤثرترین ابزارهایی است که می‌تواند آثار زیان‌های مالی فعلی و آینده ناشی از خسارات معنوی را جبران کند. از سوی دیگر پول می‌تواند تا حدی موجب رضایت و آرامش خاطر زیان‌دیده معنوی شود؛ زیرا این افراد متوجه می‌شوند که جامعه در مقابل زیان معنوی که بر آنها وارد شده سکوت نمی‌کند و از همه امکاناتش برای جبران این نوع زیان استفاده نموده است. به این ترتیب بخشی از خسارت معنوی از راه مالی جبران می‌شود. همچنین الزام به پرداخت مال می‌تواند متجاوزین به حقوق افراد را پشیمان نماید و جنبه بازدارندگی نیز داشته باشد (همان: ۱۸۳).

به بیان دیگر، پولی که از این بابت داده می‌شود جبران‌کننده نیست بلکه خشنودکننده برای زیان‌دیده و کیفر خطا برای مسئول و تبه و تحذیر برای دیگران است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۵۷/۱) که در نهایت می‌تواند بر تنظیم رفتار اشخاص در جامعه تأثیرگذار باشد. در سلسله نشست‌های قضایی در استان مازندران، قضات پس از پذیرش اصل قابلیت جبران خسارت معنوی، در مورد شیوه جبران خسارت معنوی، به اتفاق نظر داده‌اند که در هر مورد قاضی باید بر اساس همان مورد خاص و با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر پرونده حکم به جبران خسارت معنوی بدهد.



از همین رو یکی از اساتید حقوق چنین نوشته است: ضرر معنوی مانند ضرر مادی قابل جبران است ولی جبران مالی آن به وسیله پول مورد تردید قرار گرفته است...؛ اما به نظر می‌رسد دادن مال نیز در بیشتر موارد نه تنها وضع زیان‌دیده را بهتر می‌کند بلکه جنبه بازدارندگی نیز دارد. ممکن است جبران غیرمالی را به عنوان شیوه‌های مناسب تشخیص داده و برگزینند چراکه در برخی موارد بسته به شخصیت خواهان و شأن اجتماعی او ممکن است روش‌های غیرمالی از ویژگی خشنودسازی بیشتری برخوردار باشد (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

باید توجه داشت که راه‌های جبران خسارت معنوی را نمی‌توان و نباید منحصر در تبدیل به مبلغی پول دانست. جبران خسارت معنوی از طریق غیرمالی نیز ممکن است. البته جبران غیرمالی خسارت معنوی (با بررسی آرای به دست آمده) ممکن است به اشکال زیر صورت گیرد:

الزام مرتکب فعل زیان بار به عذرخواهی،
درج حکم محکومیت عامل زیان در
روزنامه، اظهار تأسف، رفع عامل زیان،
اجازه انجام کار یا منع از آن و تغییر
عامل زیان. یکی از ابزارهای جبران
خسارات معنوی، عذرخواهی است که
نقش مهمی هم در ترمیم دردهای
روحي زیان دیده و هم در بهبود روابط
وی با واردکننده زیان دارد. در حقوق
ایران، قانون گذار به این شیوه توجه
کرده است و در ماده ۱۰ قانون مسئولیت
مدنی به دادگاه ها اختیار داده شد تا در
صورت ورود خسارت معنوی، در ضمن
حکم، واردکننده زیان را به عذرخواهی
ملزم کنند.

«معیار شخصی» خسارت وارده به متضرر با توجه به عواملی مثل سن، شغل، جایگاه اجتماعی، نوع حادثه واردکننده خسارت، زمان و موقعیت ورود خسارت، نتایج حاصل از خسارت و عواملی از این دست مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از جمع این دو مؤلفه باید نتیجه نهایی حاصل شود که همانا غرامت تعیین شده باید وضعیت متضرر را تا آنجا که ممکن است به قبل از وقوع حادثه برگردانده و آرامش خاطر نسبی برای او فراهم آورد.



با بررسی آراء صادره در باب جبران خسارت معنوی، مشخص می‌شود که دادگاه‌ها در برخورد با خسارت معنوی چه شیوه‌هایی را برای جبران در پیش گرفته‌اند و بر چه اساسی رأی می‌دهند و بازتاب قوانین موجود در آرای قضایی چگونه است.



۴-۲- جبران خسارت معنوی به روش غیرمالی

شیوه‌های غیرمالی جبران خسارت
معنوی راحت‌تر مورد پذیرش دادگاه‌ها
قرار می‌گیرد چراکه خود خسارت
معنوی نوعاً امری غیرمالی تلقی می‌شود.
شیوه‌های جبران غیرمالی نیز به دلیل
اینکه از جنس خسارت معنوی هستند و
مستقیماً نظر به حیثیت، اعتبار و آبروی
اشخاص دارند؛ مورد پذیرش همگان
(حتی کسانی که در خصوص جبران
مالی این خسارت نظر مخالف دارند)
می‌باشد.

و روشی را برای جبران این خسارت انتخاب نماید، مثل پرداخت مبلغی به زیان دیده. در مورد متهمی که مدتی بازداشت بوده است قاضی می‌تواند در صورت احراز تقصیر شخص خاص، حکم به پرداخت مبلغی پول برای مدتی که شخص در بازداشت بوده است را صادر نماید. این خسارت علاوه بر جبران ضرر مالی شخص، زیان‌های معنوی وارد بر عواطف و احساسات و حیثیت و آبروی شخص را نیز تا حدی جبران می‌نماید (معاونت آموزش قوه قضاییه، مجموعه نشست‌های قضایه، ۸، ۱۳۸۳).

با پرداخت پول برای جبران خسارت معنوی، هدف از جبران خسارت‌های معنوی که همان رضایت خاطر زیان‌دیده است بهتر تحقق می‌یابد، چراکه زیان‌دیده می‌تواند به هر شکلی که می‌خواهد از آن استفاده نماید. ضمناً پرداخت پول یک مصداق از پرداخت به روش مالی است. چه بسا دادگاه با توجه به اوضاع و احوال موجود، انجام عمل و ارائه خدمتی که واجد ارزش مالی است یا استرداد عین معین و یا حتی ترک فعلی به خصوص را که دارای منافع مالی برای زیان‌دیده است، مناسب‌ترین روش برای جبران خسارت تلقی نماید (نقیصه، ۱۳۲۶: ۳۵۱).

در رابطه با نحوه محاسبه غرامات خسارت معنوی اختلاف نظر وجود دارد؛ اما به نظر جامع‌ترین فرمول حقوقی، ترکیب و جمع «معیار نوعی» و «معیار شخصی» است. به بیان ساده‌تر با استفاده از «معیار نوعی»، خسارت وارده به متضرر به عنوان یک انسان صرف و صرف‌نظر از موقعیت شخصی و اجتماعی او ارزش می‌یابد و با استفاده از



با وجود این، در قانون، عذرخواهی تعریف نشده و شرایط آن مشخص نگردیده است. کشورهایی در این زمینه پیشرو بودند و از ابزار عذرخواهی در تسکین دردهای روحی بهره جسته‌اند و در تعریف و تبیین آن مطالعات زیادی انجام دادند (اکبری آرائی؛ نیک‌خواه؛ جعفرزاده، ش ۱۰۹، بهار ۱۳۹۹).

البته شیوه‌های جبران غیرمالی زیان معنوی محدود به چند روش خاص نیست بلکه به تناسب هر مورد ممکن است روشی مخصوص به آن مورد وجود داشته باشد. به عنوان مثال ماده ۱۱۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هیچ‌یک از شرکا نمی‌تواند دیگری را اجبار بر بنا و تعمیر دیوار مشترک نماید مگر اینکه دفع ضرر به نحو دیگری ممکن نباشد». در خصوص این ماده باید گفت که دفع ضرر اعم از ضرر مادی و معنوی است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۸۶). ممکن است جبران خسارت معنوی با رفع و از بین بردن منبع زیان صورت گیرد. همان‌گونه که پیامبر (ص) زیان معنوی ناشی از عمل مرد صاحب درخت را با امر به کندن نخل از خانه مرد مسلمان جبران فرمودند. در برخی موارد در آرای دادگاه‌ها نیز مشاهده می‌شود که جبران زیان معنوی به صورت از بین بردن عامل زیان است تا بدین طریق جلوی فشار روحی و اذیت گرفته شود.

در برخی موارد اجازه انجام دادن کاری به زیان‌دیده موجب جبران زیان معنوی وارد بر او می‌گردد. برعکس، در مواردی نیز منع از انجام کار موجب جبران خسارت معنوی زیان‌دیده می‌شود. همچنین در برخی موارد ایجاد تغییر در چیزی که باعث ورود زیان می‌گردد

موجب جبران خسارت معنوی می‌شود. از جمله این موارد اشخاصی هستند که حضانت طفل بر عهده آنها است و وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهند و موجب ورود زیان به طفل می‌گردند. مورد دیگر جایی است که نام یک شخص باعث آزار و فشار روحی او می‌شود. در این دو مورد با تغییر شخصی که حضانت بر عهده اوست و تغییر نام شخص، زیان وارد بر شخص زیان‌دیده جبران می‌گردد.

۴-۳- دلایل مخالفان و موافقان

تقویم خسارت معنوی

مخالفان قابلیت تقویم خسارت معنوی معتقدند به دلیل ماهیت غیرمادی این خسارت، جبران به معنای حقیقی با پرداخت وجه نقد محقق نمی‌شود (لوراسا، ۱۳۷۹: ۱۱۷)، چراکه این خسارات، غیرمالی بوده و با حواس پنج‌گانه مادی قابل ادراک و احساس نیست و لذا غیرقابل ارزش‌گذاری و جبران است. بر اساس این دیدگاه، اعاده منافع غیرمادی زایل شده با پرداخت وجه نقد غیرممکن است چراکه به دلیل عدم تناسب ماهیت پول با ماهیت ضررهای معنوی، پول نمی‌تواند جایگزین منافع معنوی از دست رفته باشد، لذا حتی از این منظر که هدف از جبران خسارت بازگرداندن وضع زیان‌دیده به حالت پیش از ورود ضرر است جبران خسارت معنوی با پرداخت وجه نقد غیرممکن است.

در پاسخ به این ایراد، گفته شده است که صدور حکم محکومیت خوانده به پرداخت وجه نقد اگرچه تمام خسارت را جبران نمی‌کند ولی حداقل در برخی موارد می‌تواند جبران‌کننده بخشی از زیان‌های

معنوی باشد و لذا تصور جبران خسارت معنوی به وسیله پرداخت وجه نقد محال نیست (مازوو تنک، پیشین: ۸۹). درواقع هدف از الزام عامل زیان به جبران خسارت این است که فرصتی فراهم شود تا رضایت خاطر زیان‌دیده تا جایی که ممکن است فراهم شود. به علاوه کرامت و ارزش انسانی و حیثیت و ناموس افراد بسیار مهم‌تر از چیزی است که در حقوق و تعریف مال ذکر شده است؛ بنابراین در جبران آن هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد.

به عبارت دیگر همان‌گونه که عدم جبران خسارات مادی موجب تضییع حق زیان‌دیدگان می‌شود، جبران نشدن خسارت معنوی نیز به طریق اولی زیان‌بار است و این به دلیل اهمیت این‌گونه زیان‌ها است؛ بنابراین علاوه بر ضررهای مادی، ضررهای معنوی نیز باید از سوی وارد کننده ضرر، جبران شود و بایستی تا حد ممکن نسبت به تعیین و تقویم خسارت معنوی اقدام نمود.

۴-۴- روش‌های تقویم خسارت معنوی

نظر به ماهیت این نوع خسارات، جبران خسارت‌های معنوی، از ویژگی خاصی برخوردار بوده و علاوه بر دشوار بودن تقویم آن، به دلیل تنوعی که دارد، تعیین شیوه مناسب ارزیابی آن نیازمند بررسی و تحقیق گسترده است. در مقام عمل نیز در ارزیابی میزان خسارت معنوی ممکن است قاضی ناچاراً میزان خسارت را بر اساس تقصیر مرتکب فعل زیان‌بار تعیین نماید؛ یعنی هرچه مرتکب، تقصیر بزرگتری انجام داده باشد، غرامتی که باید پرداخت کند سنگین‌تر خواهد بود.



بیش از گذشته است لذا رویه قضایی به چند دلیل حائز اهمیت است: اول) وظیفه دادرس اجرای قانون در دعاوی است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۸). زمانی که قاضی با توجه به قوانین حق را از ناحق تشخیص می‌دهد، عدالت را در جامعه اجرا می‌نماید.

دوم) رویه قضایی یکی از منابع علم حقوق است و نباید حقوق هر کشور را تنها در مجموعه‌های قوانین آن کشور جستجو کرد؛ بنابراین باید به آنچه عملاً در اجرای قوانین رخ می‌دهد نیز توجه نمود و از بررسی صرفاً نظری قوانین دست برداشت و به بررسی و نقد آرای دادگاه‌ها روی آورد. اگرچه در حقوق ما تنها آرای وحدت رویه قضایی الزام‌آور است و بایستی در دادگاه‌ها اجرا شود؛ اما رویه قضایی به معنای عام آرای همه محاکم را در بر می‌گیرد و تنها منحصر در آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیست و دادگاه‌ها همواره به آرای سابق خود و رویه‌های جاری در محاکم نیز توجه دارند و از آنها الهام می‌گیرند (مدنی، ۱۳۷۷: ۳). پس برای اطلاع از حقوق واقعی هر کشور صرف مطالعه قوانین معمول آن کافی نیست بلکه باید به رویه‌های قضایی هم توجه نمود.

سوم) با بررسی آراء صادره در باب جبران خسارت معنوی، مشخص می‌شود که دادگاه‌ها در برخورد با خسارت معنوی چه شیوه‌هایی را برای جبران در پیش گرفته‌اند و بر چه اساسی رأی می‌دهند و بازتاب قوانین موجود در آرای قضایی چگونه است (صالحی راد، ۱۳۷۸: ۱ تا ۵). چهارم) دعاوی طرح‌شده در دادگاه‌ها نشان دهنده نیازها و خواسته‌های مردم

پرداخت شود در اختیار قاضی قرار خواهد گرفت. این تعرفه از یک سو جنبه پیشنهادی داشته و فاقد وصف الزام‌آوری است و از طرف دیگر مبلغ پیشنهادی، ثابت نبوده و از قابلیت انعطاف‌پذیری برخوردار است.

لازم به ذکر است که ارجاع امر به کارشناسی در آراء مختلف از سوی دیوان عالی مورد استناد می‌باشد. برای مثال شعبه هشتم دیوان عالی کشور در حکم ۴۱۲۳ مورخ ۱۳۳۶/۹/۵ چنین رأی داده است: «تعیین خسارت معنوی از طرف دادگاه بدون جلب نظر کارشناس عمل خارج از وظیفه و خلاف قانون است» (هدایتی محبوب، بهار ۱۳۹۸، ش ۲۶). این نظر دیوان هم حاکی از وجود سابقه قضایی جبران خسارت معنوی با امور مادی در نظام قضایی کشور است.

شایان ذکر است که اداره حقوقی قوه قضاییه طی نظریه مشورتی شماره ۱۰۴۸/۹۳/۷ مورخ ۱۳۹۳/۵/۴ اعلام داشته که برای تقویم خسارت مالی زیان معنوی، دادگاه می‌تواند با اخذ نظر کارشناس اقدام نماید.

۵- رویه قضایی و نقد آن در باب جبران خسارت معنوی

۵-۱- اهمیت رویه قضایی (با نگرشی بر حقوق خارجی)

اصطلاح رویه قضایی به مجموع آرای دادگاه‌ها گفته می‌شود؛ بنابراین عنصر اصلی رویه قضایی، رأی دادگاه است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۸۹ و ۱۹۰). با توجه به عنوان تحقیق حاضر و التفات به اینکه تحقیق حاضر ارتباط تنگاتنگی با رویه قضایی و آرای دادگاه‌ها دارد و از سوی دیگر امروزه توجه و دقت در رویه قضایی

این در حالی است که اقتضای عدالت در مسئولیت مدنی این است که خسارت واقعی زیان دیده تقویم گردد و این امر با تعیین خسارت بر مبنای عمد یا خطا و درجه تقصیر در مسئولیت مدنی برخلاف مسئولیت کیفری، منافات دارد؛ زیرا احتمال دارد از تقصیری کوچک خسارتی بزرگ به بار آید و از تقصیری سنگین خسارتی اندک حاصل شود (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۶: ۸۹۶).

برای تقویم خسارت معنوی به طور کلی سه شیوه متصور است: روش اول، وجود تعرفه قانونی است که در آن قانون‌گذار یا مبلغ مشخصی را به عنوان مبلغ قابل پرداخت در هریک از اقسام خسارت تعیین نموده و یا ضابطه‌ای مشخص ارائه می‌کند که با استفاده از آن و با دخالت برخی متغیرها، در هر مورد، میزان خسارت تعیین خواهد شد.

روش دوم، فقدان تعرفه قانونی است که در این صورت، دادگاه مجموع عواملی را که در تعیین میزان خسارت و تقویم آن تأثیرگذار است، مورد لحاظ قرار داده و بر اساس کلیه عوامل مذکور به ارزیابی میزان خسارت می‌پردازد. در فرض اخیر قاضی می‌بایست در تقویم خسارت معنوی، ملاک‌های گوناگونی همچون نوع، میزان و شدت خسارت و همچنین جایگاه اجتماعی و وضعیت اقتصادی فرد زیان دیده و عامل ورود زیان را مورد لحاظ قرار داده و از نظرات اهل خبره نظیر متخصصان و روانشناسان و پزشکان نیز استفاده نماید.

روش سوم، وجود تعرفه پیشنهادی قابل انعطاف است که برای تعیین میزان غرامتی که باید به زیان دیده



می‌باشد و لذا می‌توان اختلاف نظر بین مراجع قانون گذاری و علمی را با بررسی و استفاده از آرای دادگاه‌ها برطرف نمود. البته پرواضح است که بررسی کامل و دقیق و عمیق رویه قضایی نیازمند مؤسسه‌های علمی مجهز به نیروی انسانی کارآمد و پشتوانه مالی کافی است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۸)؛ اما در ادامه به رویکرد برخی کشورهای خارجی راجع به خسارت معنوی می‌پردازیم:

در حقوق بین‌الملل پرداخت غرامت روش مناسب و مقتضی برای جبران خسارت معنوی اشخاص خصوصی است (حبیب زاده، نیک جاه، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ش ۵۱). در نظام حقوقی انگلستان، روش غالب جبران خسارت هتک حرمت شامل افترای کتبی و شفاهی به صورت دادن مبلغی پول است که به تناسب مورد، در قالب جبران معادل، سمبلیک، خسارات تحقیرآمیز یا خسارت تنبیهی صورت می‌گیرد (کوشش کار، قاسمی عهد، بهار و تابستان ۱۳۹۸، ش ۱)

در حقوق فرانسه دادگاه‌ها از سال ۱۸۳۳ رسماً جبران مالی خسارت معنوی را پذیرفته‌اند (یوسفی صادقلو، سرمست درگاه، پاییز ۱۳۹۷، ش ۳۷). در کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به خسارت معنوی متصدیان حمل و نقل دریایی مسئولیت فاعل زیان بار محدود به پرداخت مبلغ معینی است (هاشمیان، پاییز ۱۳۹۷، ش ۷). کنوانسیون‌های ورشو ۱۹۲۹ و مونترال ۱۹۹۹ در خصوص حمل و نقل هوایی در کلیه پروازهای بین‌المللی و پروازهای داخلی بیشتر کشورهای جهان اجرا می‌گردند. مطابق ماده ۱۷ کنوانسیون ورشو که

کنوانسیون مونترال هم تغییر مهمی در آن به وجود نیاورده است: «متصدی حمل و نقل مسئول خسارتی است که در صورت فوت یا جرح و یا هرگونه آسیب بدنی متوجه مسافر می‌گردد...».



همان گونه که عدم جبران خسارات مادی موجب تضییع حق زیان دیدگان می‌شود، جبران نشدن خسارت معنوی نیز به طریق اولی زیان بار است و این به دلیل اهمیت این گونه زیان‌ها است؛ بنابراین علاوه بر ضررهای مادی، ضررهای معنوی نیز باید از سوی وارد کننده ضرر، جبران شود و بایستی تا حد ممکن نسبت به تعیین و تقویم خسارت معنوی اقدام نمود.



مسئولیت قراردادی چندان مورد توجه حقوقدانان قرار نگرفته است ولی به نظر می‌رسد که هیچ مانعی جهت پذیرش خسارت معنوی در مسئولیت‌های قراردادی وجود ندارد و جبران خسارات روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد نیز از اهمیت لازم برخوردار است.

با آنکه در حقوق موضوعه ایران مسئولیت به نوع قهری و قراردادی شناخته شده لیکن دلیلی برای محدود ساختن مطالبه خسارت معنوی در دعاوی مسئولیت قهری وجود ندارد و وقتی قانون گذار ضرر معنوی را در مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی قابل جبران دانسته، تفاوتی ندارد که ضرر ناشی از عدم اجرای قرارداد یا ناشی از جرم یا شبه جرم باشد و در نقض قراردادهایی که به انگیزه تأمین منافع غیرمالی منعقد شده و یا در قراردادهایی که وقوع خسارت معنوی به هنگام نقض محتمل و قابل پیش‌بینی است، مطالبه خسارت معنوی امکان پذیر است. یک نمونه از آراء صادره در خصوص خسارات معنوی ناشی از نقض تعهدات (در روابط قراردادی) رأیی است با شماره دادنامه ۱۳۸۸۰۹۹۷۲۱۶۳۱۰۰۶ که در سال ۱۳۸۸ صادر شده است و در سال ۱۳۹۱ هم به تأیید دادگاه تجدیدنظر استان تهران رسیده است. (خلاصه این پرونده و رأی صادره در روزنامه اطلاعات مورخ یکشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است). در این رأی، یکی از شرکت‌های هواپیمایی ایران به دلیل تأخیر در پرواز، در کنار محکومیت به جبران خسارات مالی، به جبران مبلغی بابت خسارت روحی و معنوی خواهان نیز محکوم شده است.

اما در مورد خسارت معنوی کنوانسیون بیع و سایر اسناد احکام متفاوت دارند به گونه‌ای که ماده ۵ کنوانسیون بیع، خسارت معنوی را از حوزه حاکمیت کنوانسیون خارج و مربوط به قوانین داخلی دانسته ولی بند «۲» ماده ۹:۵۰ اصول اروپایی و بند «۲» ماده ۷-۴-۲ اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی، خسارت معنوی را قابل جبران تلقی کرده‌اند (شبیری زنجانی، قاسمی، تابستان ۱۳۹۷، ش ۲).

۵-۲- نقدهای نگارنده (پژوهشگر):

۱- در ادبیات حقوقی ما مطالبه خسارت معنوی در قلمرو مسئولیت غیر قراردادی مورد مطالعه قرار گرفته است و به دلایلی نامعلوم جبران آن در حوزه



۲- در مورد دیه؛ صدور حکم به جبران خسارت معنوی بیشتر در خسارت‌های بدنی احساس می‌شود، این در حالی است که در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری حکم به جبران خسارت معنوی مازاد بر دیه منع شده است که به نظر اینجانب این ممنوعیت صحیح نیست و تبصره ۲ ماده ۱۴ ناشی از این دیدگاه است که دیه مبلغ مقطوع خسارت است ولی عیب بزرگ آن جبران نشدن تمام ضرر است که نه انصاف می‌پذیرد و نه قاعده لاضرر تاب تحمل آن را دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۴۵/۱). با توجه به صراحت قانون (که البته به شدت مورد انتقاد نویسنده است) فعلاً نمی‌توان در مورد دیه به پرداخت خسارت معنوی رأی داد. با قید اینکه، هرچند خسارت مازاد بر دیه قابل پذیرش و حکم دادن است

اما نمی‌توان با استناد به آن به پرداخت خسارت معنوی برای دیه حکم داد. ضمناً هرچند قانون مسئولیت مدنی قانون ماهیتی و قانون آیین دادرسی کیفری قانون شکلی است؛ اما قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مسئولیت مدنی را در بخش خسارات بدنی (دیه) تخصیص زده است.

۳- بحث بازدارندگی و تأثیر نحوه تعیین و ارزیابی خسارت معنوی: حکم به پرداخت خسارت معنوی می‌تواند اثر تأدیبی بر خطاکار داشته باشد و بر تنظیم روابط افراد در جامعه اثرگذار باشد و با صدور این‌گونه احکام افراد متوجه می‌شوند که علاوه بر خسارت مادی بایستی خسارت معنوی نیز بپردازند که این امر (احکام خسارت معنوی) می‌تواند جنبه پیشگیرانه داشته باشد و افراد

به آثار رفتار خود بیشتر توجه کنند.

۴- علت کم بودن تعداد آراء صادره در باب خسارت معنوی: این نقیصه معلول عوامل حقوقی، اجتماعی و فرهنگی مختلفی می‌باشد. چنانچه کرامت و جایگاه معنوی اشخاص در جامعه در موقعیت بایسته خود قرار گیرد و افراد به حقوق معنوی خود آگاه‌تر شوند می‌توان امیدوار بود تا زیان‌دیدگان با طرح دعاوی خسارت معنوی زمینه‌ساز گشایش این بحث در رویه قضایی باشند؛ چراکه هرچه تعداد دعاوی خسارت معنوی بیشتر باشد، به همان نسبت تعداد آراء صادره نیز بیشتر می‌شود. ضمناً اقدامات قانون‌گذار در بحث حمایت قانونی از خسارت معنوی و مشخص نمودن ساز و کار آن نیز می‌تواند راهگشا باشد.

برآمد

با توجه به مواد قانونی قابل اجرا و مستندات فقهی و دلایل عقلی موجود در خصوص جبران خسارت معنوی؛ ضرورت جبران خسارت معنوی و قابل جبران بودن آن امری مسلم و قطعی به نظر می‌رسد و می‌توان گفت که جبران خسارت معنوی به طور کلی با دو شیوه مالی و غیرمالی امکان‌پذیر است؛ اما در عمل صدور حکم به جبران خسارت معنوی با مشکلاتی مواجه است و بیشترین مشکل، نوع و میزان محکوم‌به می‌باشد (حکم به چه چیزی و چقدر). همچنین بهتر است تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری در مورد دیه اصلاح شود. چراکه صدور حکم به جبران خسارت معنوی، بیشتر در خسارت‌های بدنی احساس می‌شود.

شیوه‌های جبرانی خسارات معنوی از محلی تا محل دیگر ممکن است متفاوت باشد و محاکم معمولاً با در نظر گرفتن مجموع عواملی همچون میزان و درجه تقصیر زیان‌زننده و اقدامات وی پس از ورود زیان، نوع قرارداد یا حادثه واقع شده، شرایط و شخصیت طرفین، سطح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنها و برخی عوامل دیگر، تلاش می‌کنند تا مناسب‌ترین شیوه جبران این دسته از خسارات را در نظر بگیرند.

با این حال مهم‌ترین شیوه جبرانی که معمولاً مورد رأی قرار می‌گیرد و می‌تواند تا حدی خسارات وارده را برطرف نماید، پرداخت غرامت یا جبران خسارت از راه دادن معادل یا بازگرداندن وضعیت زیان‌دیده به وضعیت پیش از وقوع خسارت است. این امر از طرقی مانند عذرخواهی رسمی، بردن زیان‌دیده نزد پزشکان یا روان‌پزشکان، ثبت‌نام زیان‌دیده در کلاس‌های مختلف و مرتبط با زیانی که دیده است،

فرستادن زیان دیده به سفرهای زیارتی، گردشگری، انجام کارهای مورد نیاز برای زیان دیده و ... انجام می شود. هرچند ارزیابی دشوار و تابع شرایط خاص هر دعواست، ولی این مشکل اختصاص به این نوع خسارت ندارد. در خسارات مادی نیز گاهی به دلیل استمرار زیان یا معلوم نبودن جنبه های گوناگون آن یا دخالت عوامل دیگر امکان ارزیابی دقیق میزان خسارت وجود ندارد ولی دادگاه بر اساس نظر کارشناس، عرف و سیر طبیعی امور به طور ظنی به ارزیابی خسارت می پردازد.

از آنجایی که خسارت های معنوی از تکرر و تنوع فراوانی برخوردارند، هر یک یا هر گروهی از آنها روش جبران متناسب خویش را طلب می کند و از طرفی، تشخیص میزان خسارت معنوی و ارزیابی و تقویم آن، امری دشوار و دقیق است، زیرا قابلیت تألم پذیری در افراد مانند قیافه، سلیقه و شخصیت اخلاقی آنها متفاوت است؛ بنابراین با وضع یک قانون و تعیین طریقه جبران مشخص نمی توان ادعا نمود که از همه زیان دیدگان، جبران خسارت به عمل آمده است.

اعطای صلاحیت و اختیار به قاضی جهت تعیین شیوه جبران خسارت با توجه به اوضاع و احوال هر قضیه و موقعیت طرفین و ... دارای یک اثر مثبت یعنی آسان سازی دادرسی و تسهیل جبران خسارات و یک اثر منفی یعنی دشواری توجیه احکام صادره است؛ زیرا چنانچه اصل جبران خسارت معنوی و سپس امکان تقویم آن پذیرفته شود، با توجه به اینکه جبران این قبیل خسارات به منظور خشنودسازی زیان دیده و اعاده وضعیت روحی وی به حالت سابق است بهترین روش تأمین این هدف، صدور حکم با توجه به اوضاع و احوال قضیه می باشد، امری که به طور کامل در قانون قابل پیش بینی نیست. البته این امر نباید باعث نادیده انگاشتن سایر عوامل و اصول مرتبط با جبران خسارت از قبیل تناسب جبران با زیان وارده باشد.

در واقع باید گفت که خسارت معنوی با رعایت قواعد و تناسب قابل تعیین و تقویم است؛ یعنی با در نظر گرفتن سن و جنسیت و وضعیت و وسعت حادثه و خسارت مادی وارده و میزان اثرگذاری آن و نیز می توان از طریق ارجاع امر به کارشناسی (البته با لحاظ موارد مؤثر در قضیه) و یا معادل سازی (در صورت امکان مانند تعیین معادل دیه) میزان خسارت را برآورد کرد و اگر در هیچ صورتی نتوان میزان خسارت را برآورد کرد آنگاه می توان از الزام به جبران های غیرمالی (همچون عذرخواهی) استفاده کرد. البته بهتر است قانون گذار طی جداولی برای دسته های مشخصی از خسارت های معنوی که در جامعه پرتکرار هستند، مبالغ مقطوعی را به صورت حداقل و حداکثر تعیین کند تا قاضی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال مختلف مبلغی را تعیین کند.

ضمناً بهتر است خواهان دادخواست خود را مطالبه خسارت معنوی با جلب نظر کارشناس مطرح نماید و از تقویم نمودن میزان خسارت معنوی به صورت مقطوع خودداری نماید (مگر اینکه دلیلی در این باره داشته باشد) و صرفاً از باب مرجع صالح و ابطال تمبر آن را مقوم نماید. اگر خواهان نظر بر آن دارد که جبران به صورت غیرمالی باشد بایستی صراحتاً نوع جبران را قید نماید و در مورد ادله و مستندات نوع خسارت و ضرر و زیان معنوی که بر او وارد شده را ذکر کرده و مدارک مثبت اصل وقوع رفتار مادی زیان زننده را پیوست نماید و آخر اینکه، هیچ ضرری (اعم از مادی و معنوی) نباید جبران نشده باقی بماند.



فهرست منابع

- ۱- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد ۱، انتشارات سمت، تهران، چاپ ۴، ۱۳۷۸
- ۲- ابوالحمد، عبدالحمید، تحولات حقوق خصوصی-مقاله مسئولیت دولت، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۹، شماره ۱۲۷۴
- ۳- احمد ادریس، عوض، ترجمه علیرضا فیض، دیه، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ ۲، ۱۳۷۷
- ۴- اسکندری، سمیه، اختیار قاضی در تعیین شیوه جبران خسارت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ۱۳۹۴
- ۵- اسماعیلی، محسن، نظریه خسارت، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ ۱، ۱۳۷۷
- ۶- اصغری اقمشهدی، فخرالدین، جبران خسارت معنوی در حقوق ایران، پژوهش نامه علوم انسانی و اجتماعی، سال سوم، ۱۳۸۲، شماره ۹ و ۱۰
- ۷- اکبری آرائی منصور، نیک خواه رضا؛ جعفرزاده، سیامک، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۴، شماره ۱۰۹، بهار ۱۳۹۹
- ۸- امامی، سیدحسن، مسئولیت مدنی، مجله دانشکده حقوق دانشگاه ملی (سابق)، شماره ۵، بهمن ۱۳۵۶
- ۹- بوشهری، جعفر، حقوق جزا - جبران خسارت، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۳
- ۱۰- جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی کالاها، نشر دادگستر، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۹
- ۱۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ ۱۹، ۱۳۸۷
- ۱۲- حاتمی، علی اصغر، خسارات معنوی و شیوه های جبران آن در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، پاییز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷، شماره ۲۵ و ۲۶
- ۱۳- حاتمی، علی اصغر، خسارت معنوی و شیوه های جبران آن در حقوق ایران، نشریه قضاوت، سال دوم، آبان ۱۳۸۲، شماره ۱۸
- ۱۴- حبیب زاده، توکل، نیک جاده، معیارهای حاکم بر جبران خسارات معنوی در روابط بین دولت میزبان و سرمایه گذار خارجی با تأکید بر آرای داوری ایکسپید، مجله حقوقی بین المللی شماره ۵۱ پاییز و زمستان ۱۳۹۳
- ۱۵- حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، انتشارات مجد، تهران، چاپ ۱، بهار ۱۳۷۷
- ۱۶- رشدیه، هرمز، فرهنگ تشریحی-کاربردی حقوق، جلد ۱، انتشارات نوربخش، تهران، چاپ ۱، ۱۳۹۰
- ۱۷- پروین، فرهاد، خسارت معنوی در حقوق ایران، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۰
- ۱۸- ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، انتشارات خرسندی، تهران، چاپ ۳، ۱۳۸۸
- ۱۹- سلیمانی نژاد، هدایت الله، مسئولیت مدنی خسارت معنوی، انتشارات نورالتقلین، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۰
- ۲۰- شبیری زنجان، سید حسن، قاسمی، عبدالخالق، خسارات قراردادی قابل مطالبه در حقوق افغانستان، فقه و اسناد بین المللی حقوق قراردادها، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال پنجم، شماره ۲ تابستان ۹۷
- ۲۱- صالحی راد، محمد، نقد آرای قضایی، جلد ۱، چاپ روزنامه رسمی، تهران، چاپ ۱، ۱۳۷۸
- ۲۲- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ ۱۸، ۱۳۶۲
- ۲۳- قاسم زاده، مرتضی، مختصر قراردادها و تعهدات، نشر دادگستر، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۸
- ۲۴- قاسم زاده، مرتضی، مبانی مسئولیت مدنی، نشر دادگستر، تهران، چاپ ۱، ۱۳۷۸
- ۲۵- کوشش کار، ریحانه، قاسمی عهد، وحید، بررسی تطبیقی جبران خسارت معنوی هتک حیثیت اشخاص در نظام حقوقی ایران و انگلستان، دانش حقوق مدنی سال هشتم بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره ۱
- ۲۶- کاتوزیان، ناصر، توجیه و نقد رویه قضایی، نشر دادگستر، تهران، چاپ ۱، ۱۳۷۷
- ۲۷- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، نشر میزان، تهران، چاپ ۱۷، ۱۳۸۷
- ۲۸- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ ۳۳، ۱۳۸۲
- ۲۹- کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد (ضمان قهری) مسئولیت مدنی، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ ۸، ۱۳۸۶
- ۳۰- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی-وقایع حقوقی، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۱۱، ۱۳۸۵
- ۳۱- کامیاران، محمدرضا، گزیده آرای دادگاه های حقوقی، مجموعه چهارم، نشر حقوقدان، تهران، چاپ ۱، ۱۳۷۷
- ۳۲- کریمیان راوندی، مهدی، مسئولیت مدنی روزنامه نگاران، نشر دادگستر، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۶
- ۳۳- لورر اسلا، میشل، برگردان محمد اشتري، مسئولیت مدنی، نشر حقوقدان، تهران، چاپ ۲، ۱۳۷۵
- ۳۴- مجموعه نشست های قضایی ۸، مسائل قانون مدنی ۲، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، قم، چاپ ۲، ۱۳۸۲
- ۳۵- محمدخانی، حسین، مسئولیت مدنی دولت در بارگه داد-رأی رونده موسوم به هموفیلی ها، انتشارات بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶
- ۳۶- مدنی، جلال الدین، حقوق اساسی، جلد ۴، انتشارات سروش، تهران، چاپ ۱، ۱۳۶۶
- ۳۷- مرعشی، محمدحسن، دیه و ضرر و زیان ناشی از آن، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، سال اول، ۱۳۷۰، شماره ۱
- ۳۸- مطهری، عباس، خسارت معنوی در آرای قضایی با تکیه بر حقوق ایران و مصر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، قم، ۱۳۸۵
- ۳۹- معاونت آموزش قوه قضاییه، زیر نظر محمد درویش زاده، نکته هایی از مقالات حقوقی در امور مدنی، جلد ۲، نشر قضا، قم، چاپ ۱، بهار ۱۳۸۷
- ۴۰- معاونت آموزش قوه قضاییه، مجموعه نشست های قضایی ۸-مسائل آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، نشر قضا، قم، ۱۳۸۳
- ۴۱- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، جلد ۱، انتشارات مدرسه امام امیرالمؤمنین، قم، چاپ ۱، ۱۴۱۱ ه.ق
- ۴۲- نجفی فتاحی، صمد، جبران مادی خسارت معنوی در حقوق ایران، مجله کانون وکلای پاییز و زمستان ۱۳۸۳، شماره ۱۸۶ و ۱۸۷
- ۴۳- نقیبی، سید ابوالقاسم، خسارت معنوی در حقوق اسلام، ایران و نظام های حقوقی معاصر، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱، ۱۳۲۶
- ۴۴- هاشمیان، نرگس سادات، خسارت ناشی از تأخیر در تحویل کالا و خسارات معنوی و اقتصادی، فصلنامه علمی- حقوقی قانون یار، دوره ۲، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۷
- ۴۵- هدایتی محبوب، ابوالفضل، اسدی، محمدحسن، نقدی بر ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ۷، شماره ۲۶، بهار ۹۸
- ۴۶- همدانی، آقا رضا، حاشیه کتاب المکاسب (للهمدانی)، جلد ۱، ناشر مؤلف، قم، چاپ ۱، ۱۴۲۰ ه.ق
- ۴۷- پیرهادی، محمدرضا، قائم مقامی در مطالبه خسارت معنوی بعد از فوت زیان دیده، مجله کانون وکلای بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۱۸۴ و ۱۸۵
- ۴۸- یوسفی صادق، احمد، سرمست درگاه، زینب، مقایسه تطبیقی ارکان خسارت معنوی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۷ پاییز ۹۷